


Research Paper

Variations in the Frequency and Biomass of Corticolous Earthworms in the Eastern Hyrcanian Forests

Masoumeh Izadi¹, Hashem Habashi², Fatemeh Rafiee³ and Shohreh Kazemi⁴

1- Ph.D., Department of Silviculture and Forest Ecology, Faculty of Forest Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran, (Corresponding author: M.izadi460@yahoo.com)

2- Associate Professor, Department of Silviculture and Forest Ecology, Faculty of Forest Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

3- Ph.D., Department of Silviculture and Forest Ecology, Faculty of Forest Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

4- Ph.D., Department of Silviculture and Forest Ecology, Faculty of Forest Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran

Received: 23 June, 2024

Revised: 26 August, 2024

Accepted: 11 October, 2024

Extended Abstract

Background: Earthworms make up a significant portion of the soil's invertebrate biomass and play a vital role in enhancing the physical, chemical, and biological characteristics of the soil. Earthworms enhance ecosystem performance and boost primary production by altering the soil structure and decomposing organic matter. Earthworms are classified into different categories based on their behavior and feeding habits. The most important ones include epigeic, anecic, and endogeic earthworms. Additionally, some earthworms, such as arboreal and corticolous species, inhabit unusual environments. This study aims to investigate the effect of dead wood on the biodiversity and abundance of corticolous earthworms in the forests of the eastern Hyrcanian region. In this regard, earthworm species found beneath the bark of deadwood (four species) were identified and classified in this research. Additionally, an attempt was made to analyze the effect of different deadwood species and their degrees of decay on various indices of earthworm biodiversity and evenness. To evaluate the impact of different locations within the deciduous temperate forests of eastern Hyrcania, the abundance of earthworms was examined and compared under the forest canopy and in forest gaps.

Methods: The study area is located in District-1 of Dr. Bahramnia Forestry Project, the eastern part of Hyrcanian forests. The research was conducted in parcels 1, 4, 7, 8, 31, and 32, which respectively include tree cover types of oak-hornbeam, ironwood-hornbeam, hornbeam-ironwood, beech-hornbeam, and beech-hornbeam. In this study, 119 samples of fallen deadwood from four species (beech, hornbeam, oak, and ironwood) were randomly selected from beneath the forest canopy and forest gaps at two elevations, 150 and 950 meters. These samples were classified into four degrees of decay based on their physical characteristics. After separating the bark with a sharp knife, the earthworms underneath were collected and initially stored in 15% ethanol, then transferred to 75% ethanol after one day, and finally to a 4% formalin solution. The earthworms were identified to the genus level using available identification keys. Their mass was measured after drying in an oven for 48 h, with an accuracy of 0.0001 g. Data analysis included the calculation of diversity indices (Shannon and Simpson), evenness (Pielou), and richness (Margalef and Menhinick) indices to investigate the diversity of earthworms. Diversity indices were analyzed using PAST (version 3.04) software. Statistical tests were conducted using SPSS to assess the diversity, abundance, and biomass of earthworms across variables.

Results: In a study of four deciduous tree species (hornbeam, beech, oak, and ironwood), four genera of corticolous earthworms were identified: *Eisenia*, *Dendrobaena*, *Dendrodrillus*, and *Apporecoeda*, with respective abundance percentages of 32%, 20.46%, 45.94%, and 1.6%. Notably, *Eisenia* showed the highest abundance and biomass among corticolous earthworms, primarily in hornbeam trees. The impact of tree species was significant on corticolous earthworm biodiversity, though differences in earthworm abundance and biomass were not statistically significant. The highest Shannon and Simpson diversity indices were recorded for oak (0.16 and



0.23, respectively), while the lowest values were found in ironwood (0.02 and 0.03). The Margalef richness index was highest in hornbeam (0.14) and lowest in ironwood (0.01). Notably, the greatest abundance and biomass of corticolous earthworms were associated with hornbeam, followed by oak, beech, and ironwood. The Pielou evenness and Menhinick richness indices varied significantly across different stages of deadwood decay. The highest values for Shannon diversity (0.34), Menhinick richness (0.32), and Margalef richness (0.24) were found in hornbeam deadwood at decay stage 2, indicating that biodiversity indices differed significantly across decay stages in this species. ANOVA results also showed that the degree of decay significantly affected the abundance and biomass of corticolous earthworms, with the highest abundance and biomass observed at decay stage 3 and the lowest at stage 1.

Conclusion: Among the study variables, including deadwood species type, decay stage, canopy cover (under the forest canopy or in canopy gaps), and altitude, only the degree of deadwood decay significantly influenced changes in the abundance and biomass of subcortical earthworms. This suggests that, unlike forest soils where earthworm distribution is highly variable both vertically and horizontally, subcortical earthworms exhibit a relatively uniform distribution. This uniformity points to the consistent, favorable conditions beneath deadwood bark for earthworm survival. Given the impacts of climate change and human disturbances, maintaining various types of deadwood at different altitudes and canopy positions can play a crucial role in supporting earthworm biodiversity.

Keywords: Corticolous Earthworm, Deadwood, Decay Stage, Forest Gap

How to Cite This Article: Izadi, M., Habashi, H., Rafiee, F., & Kazemi, SH. (2025) Variations in the Frequency and Biomass of Corticolous Earthworms in the Eastern Hyrcanian Forests. *Ecol Iran For*, 13(1), 72-84. DOI: 10.61186/ifej.2024.559



مقاله پژوهشی

تغییرات فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیر پوست‌زی در جنگل‌های شرق هیرکانی

معصومه ایزدی^۱، هاشم حبشی^۲، فاطمه رفیعی^۳ و شهره کاظمی^۴

۱- دکتری، گروه جنگل‌شناسی و اکولوژی جنگل، دانشکده علوم جنگل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران، (نویسنده مسول: m.izadi460@yahoo.com)

۲- دانشیار، گروه جنگل‌شناسی و اکولوژی جنگل، دانشکده علوم جنگل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

۳- دکتری، گروه جنگل‌شناسی و اکولوژی جنگل، دانشکده علوم جنگل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

۴- دکتری، گروه جنگل‌شناسی و اکولوژی جنگل، دانشکده علوم جنگل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۵
صفحه ۷۲ تا ۸۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳

چکیده مبسوط

مقدمه و هدف: کرم‌های خاکی، که بخش عمده‌ای از زیست‌توده بی‌مهرگان خاک را تشکیل می‌دهند، نقش اساسی در بهبود ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی و زیستی خاک ایفا می‌کنند. این جانداران با تغییر ساختار خاک و تجزیه مواد آلی، موجب بهبود عملکرد بوم‌سازگان و افزایش تولید اولیه می‌شوند. کرم‌های خاکی براساس رفتار و تغذیه به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کرم‌های اپی‌ژئیک، آنسیک و اندوژئیک اشاره کرد. علاوه بر این، برخی کرم‌ها، مانند گونه‌های درخت‌زی و زیر پوست‌زی، در زیستگاه‌های غیرمعمول زندگی می‌کنند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر خشک‌دارها بر تنوع زیستی، فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در جنگل‌های شرق هیرکانی است. در این راستا، شناسایی و طبقه‌بندی انواع کرم‌های خاکی موجود در زیرپوست خشک‌دارها (چهار گونه) انجام و تلاش شد تا تأثیر گونه‌های مختلف خشک‌دار و درجات پوسیدگی آن‌ها بر شاخص‌های مختلف تنوع زیستی و یکنواختی کرم‌های خاکی تحلیل شود. همچنین، با بررسی و مقایسه فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی در زیر تاج‌پوشش جنگل و روشنه‌ها سعی شد تا تأثیر موقعیت‌های مکانی مختلف در جنگل‌های معتدله خزان‌کننده شرق هیرکانی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: منطقه مورد مطالعه در سری یک طرح جنگل‌داری دکتر بهرام‌نیا واقع در جنگل‌های شرق هیرکانی قرار دارد. این پژوهش در پارسل‌های ۱، ۴، ۷، ۸، ۳۱ و ۳۲ انجام شد، این پارسل‌ها به ترتیب شامل تپ‌های پوشش درختی بلوط-ممرز، بلوط-ممرز، ممرز-انجیلی، ممرز-انجیلی، راش-ممرز و راش-ممرز هستند. در این مطالعه، ۱۱۹ نمونه از خشک‌دارهای افتاده از چهار گونه راش، ممرز، بلوط و انجیلی به صورت تصادفی از زیر تاج‌پوشش جنگل و روشنه‌ها در دو ارتفاع ۱۵۰ و ۹۵۰ متری انتخاب و بر اساس ویژگی‌های فیزیکی به چهار درجه پوسیدگی تقسیم شدند. پس از جداسازی پوست با چاقوی تیز، کرم‌های خاکی زیر آن جمع‌آوری و ابتدا در اتانول ۱۵ و سپس ۷۵ درصد نگهداری، و بعد از یک روز به محلول فرمالین ۴ درصد منتقل شدند. کرم‌ها تا سطح جنس با کلیدهای شناسایی موجود شناسایی شدند و سپس زی توده پس از خشک‌شدن ۴۸ ساعته در آون با دقت ۰/۰۰۱ گرم اندازه‌گیری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها شامل محاسبه شاخص‌های تنوع (شانون و سیمپسون)، یکنواختی (پایلو) و غنا (مارگالف و منهنیک) برای بررسی تنوع کرم‌های خاکی انجام شد. بررسی شاخص‌های تنوع با استفاده از نرم‌افزار PAST (3.04) و آزمون‌های آماری نیز برای بررسی تنوع، فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی بین متغیرها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها: در بررسی چهار گونه خشک‌دار (ممرز، راش، بلوط و انجیلی)، چهار جنس کرم خاکی زیرپوست‌زی شامل *Eisenia*، *Dendrobaena*، *Dendrodrillus* و *Apporecoeda* با درصدهای فراوانی به ترتیب ۳۲، ۲۰/۴۶، ۴۵/۹۴ و ۱/۶۰ شناسایی شدند. قابل ذکر است که بیشترین فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی، مربوط به جنس *Eisenia* بود که در خشک‌دار ممرز مشاهده شد. تأثیر گونه‌های خشک‌دار بر تنوع زیستی کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی معنادار بود، اما تفاوت معناداری در فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی دیده نشد. بیشترین مقادیر شاخص‌های تنوع شانون و سیمپسون در گونه بلوط (۰/۱۶ و ۰/۲۳) و کمترین مقادیر این شاخص‌ها در گونه انجیلی (۰/۰۲ و ۰/۰۳) مشاهده شد. همچنین، در گونه ممرز و انجیلی بیشترین و کمترین شاخص غنای مارگالف با مقادیر به ترتیب ۰/۱۴ و ۰/۰۱ مشاهده شد. شایان ذکر است که بیشترین فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی به ترتیب مربوط به گونه‌های ممرز، بلوط، راش و انجیلی بود. شاخص‌های یکنواختی پایلو و غنای منهنیک در مراحل مختلف پوسیدگی خشک‌دارها تفاوت معناداری نشان دادند. بیشترین مقادیر شاخص‌های تنوع شانون (۰/۳۴)، غنای منهنیک (۰/۳۲) و مارگالف (۰/۲۴) در خشک‌دارهای گونه ممرز با درجه پوسیدگی ۲ مشاهده شد، به طوری که تمام شاخص‌های تنوع زیستی بررسی شده در بین درجات مختلف پوسیدگی این گونه تفاوت معناداری داشتند. نتایج تحلیل واریانس نیز نشان داد که درجه پوسیدگی تأثیر معناداری بر فراوانی زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی داشت. بیشترین و کمترین فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی به ترتیب در درجات پوسیدگی ۳ و ۱ مشاهده شدند.

نتیجه‌گیری: در بین متغیرهای این پژوهش، شامل نوع گونه خشک‌دار، درجه پوسیدگی خشک‌دار، موقعیت قرارگیری زیرتاج‌پوشش جنگل یا روشنه‌های تاجی و ارتفاع از سطح دریا، تنها درجه پوسیدگی خشک‌دار بر تغییرات فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی تأثیر معنی‌دار داشت. این موضوع نشان می‌دهد که بر خلاف خاک‌های جنگلی، که پراکنش عمودی و افقی کرم‌های خاکی در آن بسیار متنوع است، کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی پراکنش نسبتاً یکنواختی دارند که نشان‌دهنده شرایط همگن و مناسب زیرپوست خشک‌دار برای زیست کرم خاکی است. با توجه به وقوع تغییرات اقلیمی از یک سو و آشفته‌گی‌های ناشی از دخالت‌های انسانی به نظر می‌رسد که نگهداری هر نوع خشک‌دار در هر دامنه ارتفاع از سطح دریا و موقعیت‌های تاج پوشش متفاوت قادر است به حفظ تنوع زیستی کرم‌های خاکی کمک شایان توجهی نماید.

واژه‌های کلیدی: خشک‌دار، درجه پوسیدگی، روشنه، کرم خاکی زیرپوست‌زی

مقدمه

را می‌توان براساس رفتار فیزیولوژیکی، تغذیه‌ای و نقب زدن به چند گروه اکولوژیکی تقسیم کرد: ۱) کرم‌های خاکی اپی‌ژئیک (Epigeic) یا ساکن لاش‌برگ که از لاش‌برگ تغذیه می‌کنند، ۲) کرم‌های آنسیک (Anecic) که نقب‌های عمودی در خاک‌های معدنی ایجاد می‌کنند اما از سطح خاک تغذیه می‌کنند

کرم‌های خاکی به‌عنوان مهندسان بوم‌سازگان، با طیف وسیعی از فرآیندهای خاک و عملکردهای مرتبط با توسعه بوم‌سازگان‌های جنگلی پایدار مرتبط هستند (Lavelle et al., 1997; Blouin et al., 2013). به‌طور معمول، کرم‌های خاکی

تحقیقات وروبیچیک و همکاران (Vorobeichik et al., 2020) نشان داد که کرم‌های خاکی *Dendrodrius rubidus tent* در خشک‌دارهای افتاده و مراحل آخر تجزیه در جنگل‌های سوزنی‌برگ آلوده به فلزات سنگین حضور داشتند، در حالی که در لاش‌برگ‌های خاک‌های معدنی این مناطق یافت نشدند. گراسکینا (Geraskina, 2016) نیز بیان کرد که این نوع کرم‌ها در شمال تایگا در هر دو بستر خشک‌دار و خاک به‌وفور یافت شدند.

پژوهش رامبک و همکاران (Römbke et al., 2017) با استفاده از تله‌های pitfall و eclecto نشان داد که کرم‌خاکی *Allolobophorida eiseni* یک گونه arboreal است. آشود و همکاران (Ashwood et al., 2019) نشان دادند که حذف خشک‌دار از بوم‌سازگان‌های جنگلی منجر به کاهش غنای گونه، فراوانی و زیست‌توده کرم خاکی شد. امروزه شمار شواهد به‌دست آمده از مطالعات متعدد مبنی بر این که گونه‌های مختلف کرم خاکی در زیستگاه‌های غیرمتعارف نیز زندگی می‌کنند، در حال افزایش است.

در جنگل‌های شمال کشور، کمبود اطلاعات علمی درباره کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی به‌عنوان بخش‌هایی از بوم‌سازگان جنگلی قابل توجه است. این موجودات می‌توانند نقش کلیدی را در چرخه‌های بوم‌سازگان ایفا کنند و دریچه‌ای نو به اهمیت آن‌ها در فرایندهای اکولوژیکی بگشایند. این مطالعه با تحلیل فراوانی، زیست‌توده و تنوع کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در چهار گونه خشک‌دار جنگل‌های معتدله هیرکانی، تلاش دارد تا به این موضوع بپردازد. نوآوری این مطالعه در تحلیل فراوانی، زیست‌توده، و تنوع کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در چهار گونه خشک‌دار جنگل‌های معتدله شرق هیرکانی نهفته است. فرضیه اصلی تحقیق این است که خشک‌دارها به‌عنوان خردزیستگاه‌های خاص، موجب افزایش تنوع و فراوانی کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی می‌شوند.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه در سری یک طرح جنگلداری دکتر بهرام‌نیا که جزو جنگل‌های شرق هیرکانی محسوب می‌شود، واقع شده است. این سری با مساحت ۱۷۱۳ هکتار، در عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴۵ دقیقه و ۳۶ درجه و ۴۳ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۴ درجه و ۲۴ دقیقه و ۵۴ درجه و ۲۱ دقیقه شرقی، محدوده ارتفاعی ۲۴۰ تا ۲۱۶۸ متر از سطح دریا و در فاصله ۱۷ کیلومتری جنوب غربی شهر گرگان قرار دارد. جنگل آموزشی پژوهشی دکتر بهرام‌نیا دارای اقلیم خزری است و براساس آمار اقلیم‌شناسی دریافتی از ایستگاه هواشناسی هاشم آباد گرگان در فاصله ۸ کیلومتری شمال حوزه، مقدار بارندگی متوسط سالانه ۶۴۹ میلی‌متر است که بین ۵۲۸ الی ۸۱۷ میلی‌متر در سال تغییر می‌کند. این مطالعه در پارسل‌های ۱، ۴، ۷، ۸، ۳۱ و ۳۲ انجام شد. تیپ پوشش درختی در این پارسل‌ها به‌ترتیب بلوط-ممرز، بلوط-ممرز، ممرز-انجیلی، ممرز-انجیلی، راش-ممرز و راش-ممرز است.

روش جمع‌آوری داده‌ها

تعداد ۱۱۹ خشک‌دار افتاده از چهار گونه راش، ممرز، بلوط و انجیلی به‌طور تصادفی در زیر تاج‌پوشش جنگل و روشن و در

و در دفن لاش‌برگ از اهمیت بالایی برخوردارند، و ۳) کرم‌های اندوزئیک (Endogeic) که نقب‌های افقی می‌زنند در لایه‌های پایینی خاک زندگی می‌کنند و مواد مغذی آلی غنی خاک را استخراج کرده و تغذیه می‌کنند. با این حال، همه گونه‌ها صرفاً در این سه گروه قرار نمی‌گیرند و تقسیمات فرعی نیز وجود دارند (Lavelle, 1988). لی (Lee, 1995) بیان کرد که تعداد محدودی از کرم‌های خاکی در خاک زندگی نمی‌کنند. آن‌ها در بالای زمین یا روی درختان زندگی می‌کنند که arboreal یا درخت‌زی نامیده می‌شوند. هم‌چنین، بوش (Bouché, 1972) مشاهدات مشابهی انجام داد و یک زیرگروه کرم‌های اپی‌ژئیک را به‌عنوان کرم‌های زیرپوست‌زی (corticoles) معرفی کرد. گونه‌های زیرپوست‌زی یا arboreal با درختان در ارتباط هستند و در مواد آلی انباشت شده در زیرتاج پوشش درختان، درون چوب‌های پوسیده در زیر پوست درختان سرپا یا افتاده پوسیده زندگی می‌کنند. در بوم‌سازگان‌های جنگلی، درختان مرده به‌چشم می‌خورند که اغلب به‌دلایل مختلف طبیعی همچون پیری، حمله آفات و حشرات، آتش‌سوزی طوفان و یا فعالیت مصنوعی انسان ایجاد شده‌اند و در اصطلاح جنگل‌شناسی به این بقایای درختی موجود در سطح جنگل خشک‌دار می‌گویند (Spies et al., 1988).

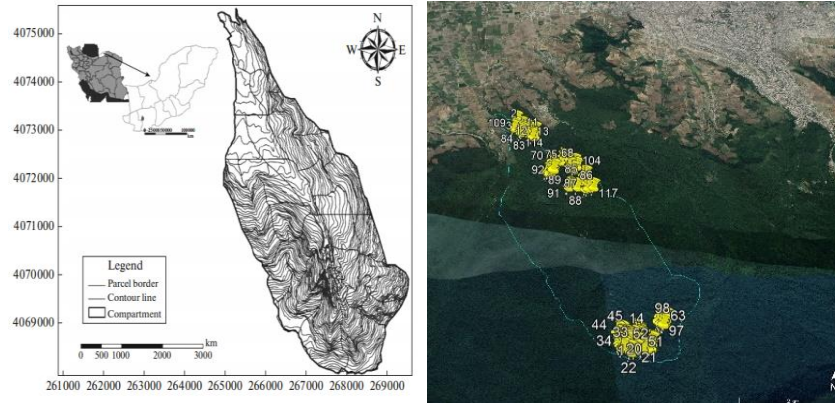
خشک‌دارها، شامل درختان سرپا، ریشه‌کن‌شده، تنه‌های افتاده و کنده‌های پوسیده‌ای هستند که نقش مهمی در جنگل‌ها دارند (Sefidi & Etemad, 2014). این عناصر به‌عنوان زیستگاه‌های مهم برای ارگانسیم‌های جنگلی، بستر جوانه‌زنی بذر (Kennedy & Quinn, 2001)، بهبود حاصلخیزی خاک (Marvie-Mohadjer, 2011)، حفظ رطوبت و ذخیره مواد غذایی و ایجاد خرداقلیم مناسب در اشکوب زیرین جنگل عمل می‌کنند (McComb, 2003). هم‌چنین، خشک‌دارها می‌توانند شاخصی مؤثر برای ارزیابی تنوع‌زیستی جنگل‌ها باشند (Harmon & Sexton, 1996; Harmon & Franklin, 1986).

مطالعات نشان می‌دهند که خشک‌دارها تأثیر مثبتی بر تراکم و تنوع گونه‌های حشرات ساپروکسیلیک (Jonsell et al., 2007)، عنکبوت‌ها (Castro & Wise, 2010) و جانوران خاکزی مانند جورپایان، پادمان، سوسک، کنه و کرم‌خاکی دارند (Ulyshen et al., 2011). به‌عنوان مثال، در جنگل‌های جنوب سوئد، ۵۰۵۶۶ نمونه ساپروکسیلیک از ۱۶۰ گونه جمع‌آوری شد که ۲۲ گونه در لیست قرمز قرار داشتند (Jonsell et al., 2007). انواع مختلف خشک‌دارها زیستگاه بهتری برای کنه‌ها و پادمان‌ها نسبت به خاک جنگل و لاش‌برگ فراهم می‌کنند (Skubala & Marzec, 2013).

مطالعات نشان می‌دهند که صفات پوست خشک‌دارها در بین گونه‌های درختی مختلف متفاوت هستند و این تنوع باعث تغییر ترکیب جوامع بی‌مهرگان می‌شود (Zuo et al., 2016). خشک‌دارها علاوه بر ایجاد پناهگاه برای کرم‌ها، با فراهم کردن شرایط رطوبتی و دمایی مناسب، باعث افزایش کون‌ها و دوره فعالیت کرم خاکی می‌شوند (Hendrix, 1996; Geraskina, 2016).

محلول فرمالین ۴ درصد منتقل شدند (Latif *et al.*, 2009). برای شناسایی کرم‌های خاکی تا سطح جنس از کلید موجود در سایت (www.earthwormsoc.org.uk) استفاده شد. برای اندازه‌گیری زی‌توده کرم‌ها، نمونه‌ها به مدت ۴۸ ساعت در دمای ۶۰ درجه آون خشک و پس از رسیدن به وزن ثابت، با ترازوی ۰/۰۰۰۱ (مدل: AND GE-120) گرم توزین شدند (Rahmani & Mayvan, 2003).

دو حد ارتفاعی ۱۵۰ و ۹۵۰ انتخاب و به چهار درجه پوسیدگی براساس خصوصیات فیزیکی تقسیم‌بندی شدند (Sefidi & Etemad, 2015) (جدول ۱). نمونه‌برداری در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۷ انجام شد و برای جداسازی کرم‌های خاکی زیر پوست خشک‌دار، ابتدا پوست با دقت توسط چاقوی تیز برداشته شد و کرم‌های خاکی زیر پوست جمع‌آوری شدند. کرم‌ها ابتدا در اتانول ۱۵ درصد و سپس در اتانول ۷۵ درصد به ترتیب قرار داده شدند. پس از گذشت یک روز، نمونه‌ها به



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه
Figure 1. Geographical position of the study site



شکل ۲- کرم‌های خاکی زیر پوست خشک‌دار
Figure 2. Earthworms under deadwood

جدول ۱- درجات پوسیدگی و ویژگی مرتبط با هر خشک‌دار

Table 1. Degrees of decay and characteristics associated with each deadwood

ویژگی خشک‌دار Characteristics of deadwood	درجه پوسیدگی خشک‌دار Degree of decay in deadwood
درخت تازه افتاده، پوست و چوب محکم هستند، گاهی و نوشاخه‌های رشد یافته سال اخیر (بر روی شاخه‌ها) دیده می‌شود. The recently fallen tree exhibits firm bark and solid wood, and in some cases, newly formed twigs from the current year (on the branches) are still visible.	خشک‌دار تازه Fresh deadwood (درجه یک) (Stage 1)
پوسیدگی درون چوب واضح است. در اغلب موارد پوست درخت دیده می‌شود، نوشاخه‌ها دیده نمی‌شوند. Internal wood decay is evident. In most cases, the bark remains visible while longer present.	خشک‌دار در مرحله شروع پوسیدگی Deadwood in early decay stage (درجه دو) (Stage 2)
درون چوب و پوست درخت به‌طور کامل پوسیده شده است، سرشاخه‌ها کنده شده است به‌راحتی با ضربه حالت پودری می‌شود. Both the inner wood and bark are fully decomposed. Branch tips have broken off, and the material readily crumbles into powder when struck.	خشک‌دار در مرحله پوسیدگی پیشرفته Deadwood in an advanced stage of decay (درجه سه) (Stage 3)
درون چوب و پوست کاملاً پوسیده شده است، در برخی موارد درخت کاملاً به خاک تبدیل شده و پوشش علفی کاملاً مستقر شده است. The inner wood and bark have fully decomposed. In some cases, the entire tree has disintegrated into the soil, allowing for the full establishment of herbaceous ground cover.	خشک‌دار در مرحله پوسیدگی کامل Deadwood in a complete decay stage (درجه چهار) (Stage 4)

تنوع کرم‌های خاکی در بین خشک‌دارها به وسیله شاخص‌های تنوع (شانون و سیمپسون)، یکنواختی (پایلو) و غنا (مارگالف و منهنیک) محاسبه گردید (جدول ۲).

جدول ۲- شاخص‌های اندازه‌گیری تنوع زیستی

Table 2. Indicators for Biodiversity Measurement

فرمول Equation	دامنه اعداد شاخص‌ها Range of index numbers	شاخص Index	مؤلفه اندازه‌گیری تنوع زیستی Biodiversity measurement component
$D = 1 - \sum (n_i(n_i - 1) / (N(N - 1)) - 1)$	0-1	سیمپسون Simpson	تنوع Diversity
$H = - \sum_{i=1}^s (p_i) (\ln p_i)$	0 - ∞	شانون Shannon	
$R = S - 1 / \ln S$	0 - ∞	مارگالف Margalef	غنا Richness
$R = S / \sqrt{n}$	0 - ∞	منهنیک Menhinick	
$E = H / \ln(S)$	0-1	پایلو Pielou	یکنواختی Evenness

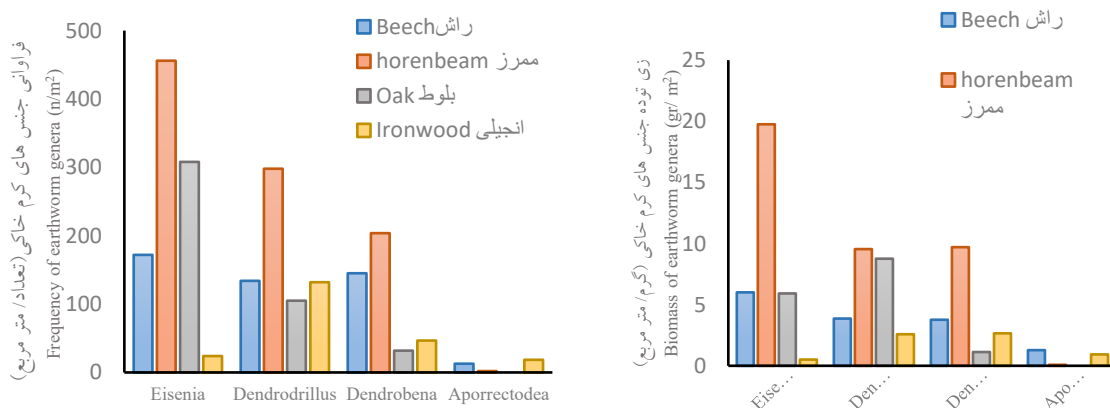
n1 = تعداد افراد گونه i در نمونه، N = تعداد کل گونه، pi = نسبت گونه i در جامعه و S = تعداد گونه در نمونه
n1 = the number of species i in the sample, N = total number of species, pi = the ratio of species i in the community, and S = the number of species in the sample.

نتایج و بحث

زیر پوست ۱۱۹ خشک‌دار افتاده چهار گونه ممرز، راش، بلوط و انجیلی در چهار مرحله پوسیدگی، چهار جنس کرم خاکی شامل *Eisenia* (۴۵/۹۴٪)، *Dendrobaena* (۲۰/۴۶٪)، *Dendrodrillus* (۳۲٪) و *Aporrectodea* (۱/۶۰٪) شناسایی گردید. بیشترین فراوانی و زی توده جنس‌های *Eisenia*، *Dendrodrillus* و *Dendrobaena* در زیرپوست خشک‌دارهای گونه ممرز بود. بیشترین فراوانی و زی توده جنس *Apporecoeda* به ترتیب در خشک‌دار گونه انجیلی و راش مشاهده شد (شکل ۳).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی شاخص‌های تنوع کرم‌های خاکی بین گونه‌های خشک‌دار و هم‌چنین بین درجات مختلف پوسیدگی خشک‌دار، ابتدا از نرم‌افزار PAST(3.04) استفاده شد. سپس نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در نرم‌افزار SPSS 16 بررسی گردید. برای داده‌هایی که توزیع نرمال داشتند، از تجزیه واریانس یک‌طرفه (ANOVA) استفاده شد و برای داده‌هایی که از توزیع نرمال پیروی نمی‌کردند، از آزمون معادل آن، یعنی کروسکال-والیس، استفاده شد. برای بررسی تنوع و فراوانی و زی توده کرم خاکی در دو موقعیت جنگل از آزمون T مستقل استفاده شد.



شکل ۳- فراوانی (الف) و زی توده (ب) جنس‌های کرم‌خاکی در گونه‌های مختلف خشک‌دار
Figure 3. The Frequency (a) and Biomass (b) of Earthworm Genera across Various Deadwood Species

شاخص‌ها اختلافات معناداری مشاهده نشد. بیشترین و کمترین مقادیر شاخص‌های تنوع شانون و سیمپسون به ترتیب در خشک‌دار گونه‌های بلوط و انجیلی مشاهده شد. هم‌چنین، شاخص غنای مارگالف در خشک‌دار ممرز بیشترین مقدار و در خشک‌دار انجیلی کمترین مقدار را نشان داد (جدول ۳).

تاثیر گونه خشک‌دار بر تنوع زیستی کرم‌خاکی زیرپوست‌زی

بین گونه‌های مختلف خشک‌دار، شاخص‌های تنوع شانون، سیمپسون و غنای مارگالف کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی اختلافات معناداری را نشان دادند، در حالی که برای سایر

جدول ۳- نتایج آنالیز کروسکال-والیس تنوع گونه‌ای، یکنواختی و غنا در بین گونه‌های خشکهدار

Table 3. Kruskal-Wallis Results for Species Diversity, Evenness, and Richness among Different Deadwood Species

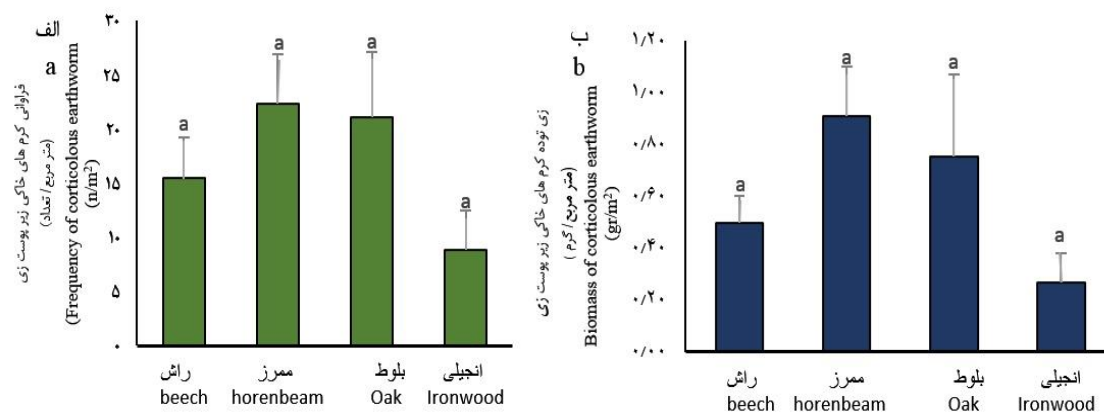
گونه‌های خشکهدار Core wood debris Species	نام شاخص Index name				
	تنوع Diversity		یکنواختی Evenness	غنا Richness	
	شانون Shannon	سیمپسون Simpson	پایلو Pielou	منهنیک Menhinick	مارگالف Margate
راش Beech	0.16 ± 0.06	0.09 ± 0.04	0.50 ± 0.09	0.18 ± 0.04	0.10 ± 0.04
ممرز Hornbeam	0.22 ± 0.05	0.14 ± 0.03	0.51 ± 0.07	0.20 ± 0.04	0.14 ± 0.04
بلوط Oak	0.23 ± 0.07	0.16 ± 0.05	0.50 ± 0.11	0.17 ± 0.04	0.11 ± 0.03
انجیلی Ironwood	0.03 ± 0.03	0.02 ± 0.02	0.28 ± 0.09	0.07 ± 0.02	0.01 ± 0.01
Sig.	*	*	ns	ns	*

* به معنای اختلاف معنادار در سطح ۹۵ درصد و ns به معنای عدم معناداری است. * and ns mean significance at the 95 level no significance, respectively.

این‌حال، بیشترین و کمترین مقادیر عددی فراوانی و زی‌توده کرم خاکی زیرپوست‌زی به ترتیب در خشکهدار گونه ممرز و خشکهدار انجیلی مشاهده شدند (شکل ۴).

تأثیر گونه خشکهدار بر فراوانی و زی‌توده کرم خاکی زیرپوست‌زی

فراوانی و زی‌توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در بین انواع مختلف گونه‌های خشکهدار اختلاف معناداری نداشت. با



شکل ۴- مقایسه میانگین فراوانی (الف) و زی‌توده (ب) کرم‌های خاکی زیر پوست‌زی بین گونه‌های خشکهدار
Figure 4. Comparing the Average Frequency (a) and Biomass (b) of Corticolous Earthworms across Different Deadwood Species

تغییرات حضور بی‌مهرگان به عوامل محیطی تجزیه چوب و نوع گونه درختی وابسته بود. هم‌چنین زو و همکاران (Zuo *et al.*, 2023) بیان کرده‌اند که جوامع کرم‌های خاکی در خشکهدارها از نظر ترکیب و فراوانی تحت تأثیر گونه درختی، مراحل تجزیه و نوع جنگل با ویژگی‌های مختلف درختی قرار دارند.

با این‌حال، یافته‌های ما نشان داد که گونه ممرز بیشترین فراوانی و زی‌توده کرم خاکی زیرپوست‌زی را دارا بود که این موضوع ممکن است به دلیل ویژگی‌های خاص این گونه درختی باشد.

ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی، تراکم و محتوی مواد غذایی چوب در ترکیب مجموعه حشرات ساپروفاگوس تأثیرگذار است. تفاوت در ویژگی‌های ژنتیکی و ترکیبات شیمیایی استخراجی فاکتور مهمی در پوسیدگی، اکسیداسیون و جذب جانوران تجزیه کننده محسوب می‌شود (Alidadi *et al.*, 2014). لاستا

در مطالعه حاضر، تنوع زیستی (ترکیب جامعه) کرم خاکی زیرپوست‌زی در بین گونه‌های خشکهدار متفاوت بود. از آنجایی‌که در دسترس بودن مواد غذایی و هم‌چنین نقش حفاظتی پوست و چوب پوسیده خشکهدارها برای برخی از گونه‌های اپی‌ژیک مطلوب است (Römbke *et al.*, 2017)، حتی لاش‌برگ‌های نزدیک خشکهدارها می‌توانند تراکم بیشتری از بی‌مهرگان را نشان دهند که این امر می‌تواند به دلیل فراوانی بیشتر طعمه و شرایط ریزاقليم مطلوب‌تر در نزدیکی خشکهدار باشد (Castro & Wise, 2010).

براساس نتایج این پژوهش، اختلاف در تنوع زیستی کرم‌خاکی در چهار گونه خشکهدار مورد مطالعه می‌تواند به تفاوت‌های موجود در مورفولوژی پوست، چگالی چوب، محتوای عناصر غذایی و متابولیت‌های ثانویه این گونه‌های درختی مرتبط باشد (Cornwell *et al.*, 2009). مشابه نتایج این مطالعه، زو و همکاران (Zuo *et al.*, 2014) نیز نشان دادند که

به بی‌مهرگان زیرپوست‌زی اجازه می‌دهد تا در محیطی با شرایط میکروکلیمایی پایدارتر زندگی کنند. به عبارت دیگر، پوست ضخیم بلوط به کاهش تغییرات ناگهانی دما و رطوبت در ناحیه زیرپوست کمک می‌کند و بنابراین، یک محیط مناسب‌تر و پایدارتر برای زیست کرم‌های زیرپوست‌زی نسبت به دو گونه راش و انجیلی فراهم می‌آورد.

رابطه مستقیم ضخامت پوست خارجی خشک‌دار با فراوانی بی‌مهرگان که به دلیل حساسیت بالای آن‌ها نسبت به خشکی می‌باشد (Dias *et al.*, 2013) در تحقیق زو و همکاران (Zuo *et al.*, 2016) نیز گزارش شده است.

تأثیر درجه پوسیدگی خشک‌دار بر تنوع‌زیستی کرم خاکی زیرپوست‌زی

شاخص‌های تنوع شانون، سیمپسون و غنای مارگالف در گونه‌های راش، بلوط و انجیلی بین درجات مختلف پوسیدگی خشک‌دار اختلاف معناداری نداشتند، اما شاخص‌های یکنواختی پایلو و غنای منهینیک دارای اختلافات معناداری بودند. درجه پوسیدگی ۳ راش و بلوط بیشترین مقدار این شاخص‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در خشک‌دار گونه انجیلی، تنوع شانون و سیمپسون و غنای مارگالف در درجه پوسیدگی ۳ دارای بیشترین مقدار بودند در حالی که شاخص یکنواختی پایلو و غنای منهینیک در درجه پوسیدگی ۴ در این گونه بیشترین مقادیر را نشان دادند. در خشک‌دار ممرز، شاخص‌های تنوع شانون، سیمپسون و غنای منهینیک و مارگالف در میان درجات مختلف پوسیدگی اختلافات معناداری را نشان دادند. بیشترین مقدار شاخص‌های تنوع شانون، غنای منهینیک و مارگالف به درجه پوسیدگی ۲ خشک‌دار گونه ممرز اختصاص یافت (جدول ۴).

و همکاران (Lasota *et al.*, 2018) نشان دادند که غلظت کاتیون‌های آب‌شویی شده از خشک‌دار گونه ممرز نسبت به گونه بلوط بیشتر بود. این محققین محتوی یون‌هایی که از شیرابه‌های گونه بلوط آب‌شویی شده بود را با نتایج کوئنه و همکاران (Kuehne *et al.*, 2008) برای گونه راش مشابه بیان کردند. با توجه به نتایج این محققین می‌توان گفت که ویژگی‌های شیمیایی مطلوب چوب گونه ممرز منجر به افزایش حضور و فعالیت کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی این گونه نسبت به راش می‌شود که از جمله دلایل احتمالی افزایش فراوانی و زی توده کرم‌ها در این گونه نسبت به گونه‌های بلوط و راش است.

ضخامت پوست درختان نقشی حیاتی در توانایی چسبیدن بی‌مهرگان و سکنی‌گزینی آن‌ها در پوست دارد، به طوری که پوست نازک درختان مقاومت درخت در برابر حشرات گیاهخوار را افزایش می‌دهد (Ferrenberg & Mitton, 2014). پوست درختان به‌عنوان یک لایه حفاظتی عمل می‌کند که می‌تواند ویژگی‌های متعددی از جمله ضخامت، بافت، و ترکیب شیمیایی را دربر گیرد که بر تعاملات بی‌مهرگان با درختان تأثیرگذار است. در پژوهش حاضر، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که ضخامت بیشتر پوست خارجی گونه بلوط، به‌عنوان یک سپر مؤثر در برابر نوسانات شدید رطوبتی و حرارتی عمل می‌کند. به‌طور خاص، این ضخامت بیشتر به حفظ شرایط محیطی پایدارتر برای بی‌مهرگان زیرپوست‌زی کمک می‌کند.

روسل و همکاران (Rosell *et al.*, 2014) نشان داده‌اند که پوست درخت بلوط به دلیل وجود لایه‌های ضخیم و متراکم، می‌تواند نوسانات دما و رطوبت را بهتر تحمل کند. این ویژگی

جدول ۴- نتایج آنالیز کروسکال-والیس برای تنوع گونه‌ای، یکنواختی و غنا در بین درجات پوسیدگی هرگونه خشک‌دار

Table 4. Kruskal-Wallis Results for Species Diversity, Evenness, and Richness among Different Deadwood Species

گونه‌های خشک‌دار	درجه پوسیدگی خشک‌دار	Index name				
		تنوع Diversity		یکنواختی Evenness	غنای Richness	
		شانون Shannon	سیمپسون Simpson	پایلو Pielou	منهینیک Menhinick	مارگالف Margalef
Core wood debris Species راش Beech	1	0±0	0±0	0±0	0±0	0±0
	2	0.13±0.10	0.07±0.06	0.67±0.15	0.21±0.07	0.12±0.08
	3	0.37±0.16	0.22±0.09	0.67±0.15	0.28±0.07	0.19±0.08
	4	0±0	0±0	0.60±0.24	0.19±0.09	0±0
Sig.		ns	ns	*	*	ns
ممرز Hornbeam	1	0±0	0±0	0±0	0±0	0±0
	2	0.34±0.10	0.21±0.06	0.65±0.10	0.32±0.08	0.24±0.08
	3	0.31±0.10	0.21±0.07	0.71±0.14	0.26±0.06	0.16±0.05
	4	0.05±0.05	0.03±0.03	0.38±0.16	0.08±0.03	0.03±0.03
Sig.		*	*	*	*	*
بلوط Oak	1	0±0	0±0	0±0	0±0	0±0
	2	0.26±0.16	0.18±0.11	0.38±0.24	0.15±0.10	0.12±0.08
	3	0.36±0.10	0.25±0.07	0.85±0.10	0.27±0.06	0.18±0.05
	4	-	-	-	-	-
Sig.		ns	ns	*	*	ns
انجیلی Ironwood	1	0±0	0±0	0±0	0±0	0±0
	2	0±0	0±0	0.11±0.11	0.02±0.01	0±0
	3	0.09±0.09	0.06±0.06	0.50±0.19	0.14±0.06	0.04±0.04
	4	0±0	0±0	1±0	0.18±0.05	0±0
Sig		ns	ns	*	*	ns

* به معنای اختلاف معنادار در سطح ۹۵ درصد و ns به معنای عدم معناداری است.

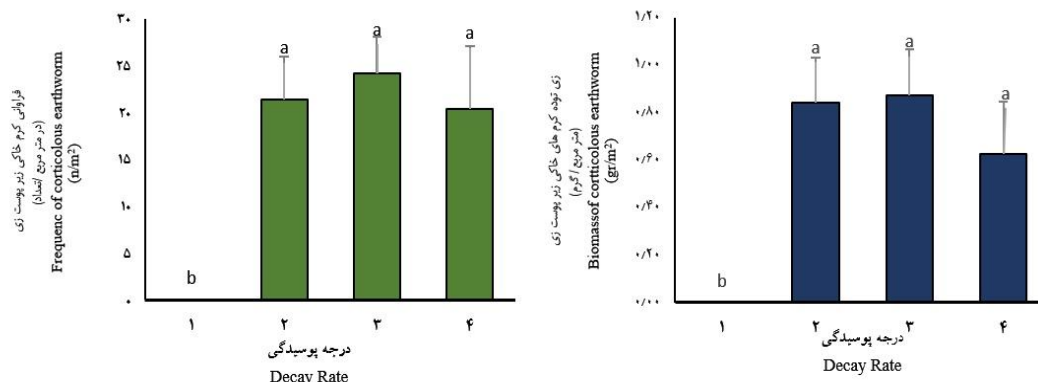
* and ns mean significance at the 95% level no significance, respectively.

نتایج آنالیز واریانس نشان داد که هم فراوانی و هم زی توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در بین درجات مختلف خشک‌دار اختلافات معناداری ($p < 0.05$) داشتند. بر اساس نتایج مقایسه

تأثیر درجه پوسیدگی خشک‌دار بر فراوانی و زی توده کرم خاکی زیرپوست‌زی

زی‌توده کرم‌های زیرپوست‌زی در درجه پوسیدگی ۳ مشاهده شد (شکل ۵).

میانگین‌ها، کمترین فراوانی (صفر) و کمترین زی‌توده کرم‌های زیرپوست‌زی (صفر) در درجه پوسیدگی ۱ و بیشترین فراوانی و



شکل ۵- مقایسه میانگین فراوانی (الف) و زی‌توده (ب) کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در مراحل مختلف پوسیدگی خشک‌دار
Figure 5. Comparing the Average Frequency (a) and Biomass (b) of Corticolous Earthworms across Various Decay Stages of Deadwood

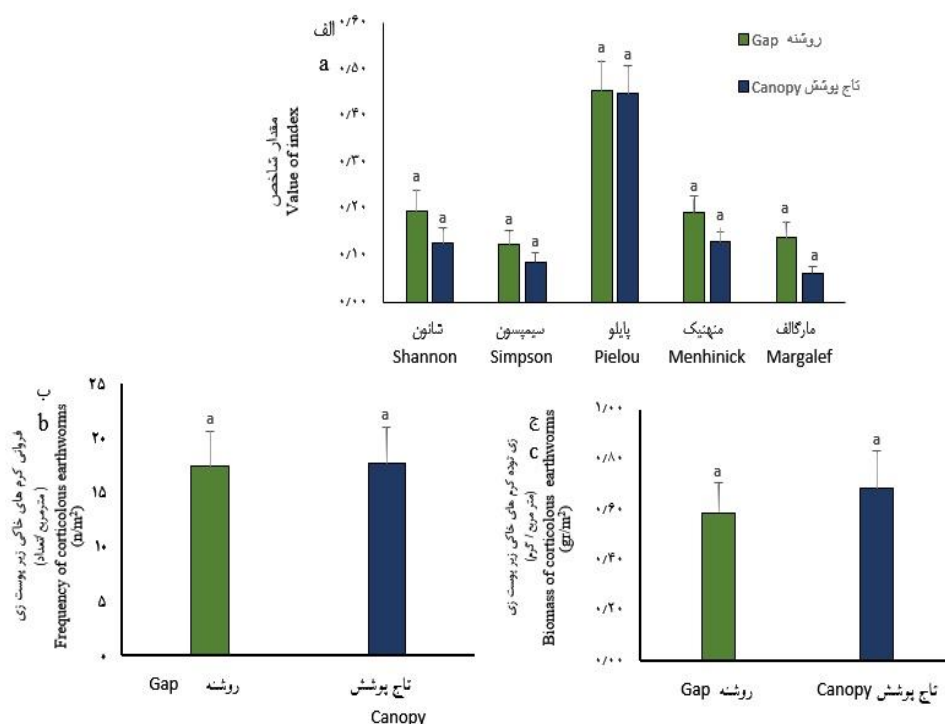
چوب (دانسیته و وزن) و ترکیبات بیوشیمیایی چوب (لیگنین، سلولز و همی‌سلولز) در مراحل مختلف پوسیدگی متفاوت بود. بنابراین، چوب‌های با پوسیدگی بالاتر دارای فضای بیشتری برای پناه گرفتن هستند و در نتیجه آشیان مناسب‌تری برای گونه‌های مختلف فراهم می‌کنند (Kruys *et al.*, 1999). به‌علاوه، هرچه قطعات خشک‌دار مدت زمان طولانی‌تری در یک محل باقی بمانند، احتمال این‌که به‌عنوان زیستگاه موجودات زنده مورد استفاده قرار گیرند، بیشتر است (Crites & Dale, 1988). در مطالعه حاضر، کمترین میزان فراوانی، زی‌توده و تنوع‌زیستی کرم خاکی زیرپوست‌زی در درجه پوسیدگی یک مشاهده شده است که می‌تواند به‌دلیل سفت بودن پوسته خشک‌دار درجه ۱ باشد.

تأثیر موقعیت قرارگیری خشک‌دار بر تنوع، فراوانی و زی‌توده کرم خاکی زیرپوست‌زی

نتایج حاصل از آزمون من‌ویتنی نشان داد که تنوع زیستی کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی در دو موقعیت قرارگیری خشک‌دار در روشن و زیر تاج‌پوشش اختلاف معناداری نداشت. هم‌چنین، نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میزان فراوانی و زی‌توده کرم‌های خاکی زیرپوست‌زی بین دو موقعیت جنگل (روشن و زیر تاج‌پوشش جنگل) اختلاف معناداری نداشت (شکل ۶).

بر اساس نتایج این تحقیق، تنوع زیستی و میزان فراوانی و زی‌توده کرم خاکی زیرپوست‌زی تحت تأثیر مراحل پوسیدگی خشک‌دار قرار داشت. حضور کرم‌های خاکی در خشک‌دار با درجه پوسیدگی ۲ و بعد از آن مشاهده شد و بیشترین فراوانی و زی‌توده کرم‌های زیرپوست‌زی به درجه پوسیدگی ۳ تعلق داشت (به‌استثنا گونه مرمز که شاخص تنوع‌زیستی در درجه پوسیدگی ۲ دارای مقادیر بیشتری بود). این نتیجه منطبق با نتایج پژوهش زو و همکاران (Zou *et al.*, 2016) است. آقاجانی و همکاران (Aghajani *et al.*, 2023) نیز بیان کردند درجه پوسیدگی ۳ دارای بیشترین فراوانی قارچ‌های ماکروسکوپی بود.

اشوود و همکاران (Ashwood *et al.*, 2019) اظهار داشتند که فراوانی و زی‌توده جامعه کرم‌های خاکی تحت تأثیر مراحل تجزیه خشک‌دار قرار داشت. از آنجاکه در فرایند تجزیه اجزای ساختاری چوب، مانند سلولز، همی سلولز و لیگنین ساختار خود را از دست می‌دهند و نرم‌تر می‌شوند، چوب رطوبت بالاتری دارد و منابع غذایی آن قابلیت دسترسی بیشتری دارند. در نتیجه، به‌عنوان زیستگاه برای موجوداتی نظیر کرم‌های خاکی از مطلوبیت بالاتری برخوردار است (Laiho & Prescott, 2004). سفیدی (Sefidi, 2019) بیان کرد ویژگی‌های فیزیکی



شکل ۶- متوسط میزان شاخص‌های تنوع زیستی (الف)، فراوانی (ب) و زی توده (ج) کرم‌های خاکی زیر پوست‌زی در دو موقعیت جنگل
Figure 6. Average Values of the Diversity Index (a), Frequency (b), and Biomass (c) of Corticolous Earthworms in Two Forest Locations (Under Forest Canopy and Forest Gap)

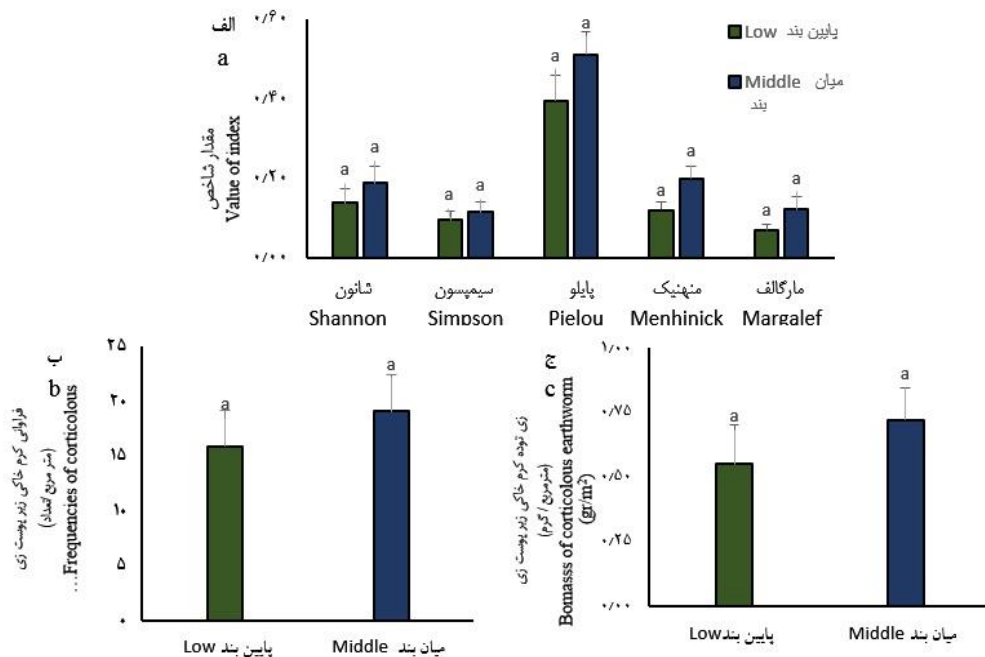
زی توده کرم‌های خاکی روند کاهشی از زیر تاج‌پوشش بسته جنگل به سمت روشنه دارد (Nachtergale *et al.*, 2002; Kooch & Hosseini, 2010). اما در مطالعه حاضر، هیچ تفاوت معناداری در فراوانی و زی توده کرم‌های زیر پوست‌زی بین دو موقعیت قرارگیری خشکه‌دار در زیر تاج‌پوشش جنگل یا روشنه مشاهده نشد. احتمالاً علی‌رغم بازشدگی تاج‌پوشش و کاهش رطوبت خاک در روشنه‌ها، هم‌چنان شرایط رطوبتی مشابه‌ای در زیر پوست خشکه‌دارها جهت حضور کرم‌های زیر پوست‌زی فراهم بوده‌است.

تأثیر ارتفاع از سطح دریا بر تنوع، فراوانی و زی توده کرم خاکی زیر پوست‌زی

نتایج آزمون من‌ویتنی نشان داد که شاخص‌های تنوع زیستی، فراوانی و زی توده کرم‌های خاکی زیر پوست‌زی در حد ارتفاعی پایین‌بند و میان‌بند اختلافات معناداری نداشتند. بیشترین مقدار شاخص‌های تنوع زیستی، فراوانی و زی توده کرم خاکی زیر پوست‌زی در حد ارتفاعی میان‌بند مشاهده شد (شکل ۷).

در پژوهش‌های پیشین، فاکتورهای بافت خاک، وزن مخصوص ظاهری، نسبت کربن به نیتروژن، اسیدیته و درصد رطوبت خاک به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر تغییرات فراوانی (تراکم و زی توده) کرم خاکی در جنگل‌های هیرکانی معرفی شده‌اند که مرتبط با موقعیت خاک جنگلی شامل روشنه یا زیر تاج‌پوشش است. گالهدی و همکاران (Gálhidy *et al.*, 2006) اشاره کردند که در جنگل‌های معتدله همیشه با افزایش اندازه سطح بازشدگی تاج‌پوشش، کمیت نور نیز افزایش یافت که منجر به خشکی خاک شد.

نی و همکاران (Ni *et al.*, 2016) نیز بیان نمودند که ایجاد روشنه در بوم‌سازگان‌های جنگلی منجر به کاهش رطوبت در خاک‌های سطحی می‌شود. از آنجایی که رطوبت فاکتور مهمی برای فراوانی و زی توده کرم خاکی است، سطح رطوبت خاک به‌طور معناداری در داخل جنگل نسبت به فضای خارج از آن بیشتر است (Riutta *et al.*, 2012). بنابراین انتظار می‌رود با توجه به شرایط متفاوت دو خردبوم‌سازگان مذکور، فراوانی، زی توده و ترکیب جامعه کرم‌های خاکی متفاوت باشد. نتایج برخی پژوهش‌های پیشین حاکی از این امر است که فراوانی و



شکل ۷- متوسط مقادیر شاخص‌های تنوع زیستی (الف)، فراوانی (ب) و زی توده (ج) کرم‌های خاکی زیرپوستزی در دو حد ارتفاعی جنگل
Figure 7. Average Values of the Diversity Index (a), Frequency (b), and Biomass (c) of Corticolous Earthworms in Two Elevation Categories

شرایط مطلوب‌تر می‌توانند محافظتی مؤثر در برابر کمبود آب و تغییرات دمایی ایجاد کنند که این ویژگی‌ها برای بقا و تکثیر کرم‌های خاکی، که ۷۵ تا ۹۰ درصد وزن بدنشان را آب تشکیل می‌دهد (Lakzian, 2008)، حیاتی است. تحقیقات آشود و همکاران (Ashwood *et al.*, 2020) نیز نشان می‌دهند که تعداد زیادی از کرم‌های خاکی نابالغ در خشکه‌دارها حضور دارند که این امر به دلیل شرایط رطوبتی و دمایی مطلوب این زیستگاه‌ها است. این زیستگاه به‌نظر می‌رسد شرایط پهنه‌ای را برای زنده ماندن و تکثیر کرم‌های جوان و کوکون‌ها فراهم می‌کند، و بدین ترتیب اثرات منفی تغییرات ارتفاعی را تا حد زیادی جبران می‌کند.

این یافته‌ها می‌توانند نشان‌دهنده نقش مهم زیستگاه‌های خاص (خشکه‌دارها) در حفظ تنوع زیستی باشند. در حالی که برخی گونه‌ها ممکن است با افزایش ارتفاع دچار کاهش جمعیت شوند، وجود این زیستگاه‌ها با شرایط میکروکلیمایی مناسب می‌تواند به پایداری و بقای گونه‌های حساس کمک کند. در نتیجه، این موضوع می‌تواند به‌عنوان یکی از مسیرهای مهم برای تحقیقات آینده مطرح شود؛ به‌ویژه تحقیقاتی که به بررسی دقیق‌تر نقش زیستگاه‌های خشکه‌دار و سایر زیستگاه‌های خاص در حفظ تنوع زیستی در محیطی می‌پردازند.

ارتفاع از سطح دریا به‌عنوان یک عامل محیطی کلیدی، به طور قابل توجهی بر ویژگی‌های اکولوژیکی زیستگاه‌ها تأثیر می‌گذارد و به تبع آن، بر حضور و فراوانی موجودات خاکزی نیز مؤثر است. مطالعات پیشین، از جمله پژوهش‌های انجام شده توسط روزن و همکاران (Rosen *et al.*, 2013)، بیان کردند که مناطق کوهپایه‌ای از نظر گونه‌های کرم‌های خاکی غنی‌تر نسبت به مناطق کوهستانی بالا دست بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش ارتفاع، شرایط محیطی ممکن است به شکلی تغییر کند که برای برخی گونه‌های خاکزی نامطلوب‌تر باشد.

با این حال، نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که فراوانی، زی توده، و تنوع زیستی کرم‌های زیرپوستزی در دو حد ارتفاعی میان‌بند و پایین‌بند تفاوت معنی‌داری نداشته‌اند. این نتیجه، با توجه به حساسیت کرم‌های خاکی به دما و رطوبت (Lakzian, 2008)، حاکی از آن است که عوامل دیگری نیز ممکن است نقش مهمی در حفظ پایداری جمعیت کرم‌های خاکی ایفا کنند.

یکی از این عوامل، شرایط زیستگاه خشکه‌دار است که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌است. فضای زیر پوست خشکه‌دار به‌طور قابل توجهی مرطوب‌تر و تا حدی گرم‌تر از زیستگاه‌های خاک باز است (Ashwood *et al.*, 2019). این

References

- Aghajani, H., Ghanbari, M. A. T., & Jalilvand, H. (2023). Biodiversity of Deadwood Beech Macrofungi in the Darabkola Educational Research Forest of Sari. *Ecology of Iranian Forest*, 11(22), 132-141.
- Alidadi, F., Marvie Mohadjer, M. R., Etemad, V., & Sefidi, K. (2014). Decay dynamics of oriental beech (*Fagus orientalis* Lipsky) and hornbeam (*Carpinus betulus* L.) deadwood in mixed beech stands. *Iranian Journal of Forest and Poplar Research*, 22(4), 624-635.
- Ashwood, F., Vanguelova, E. I., Benham, S., & Butt, K. R. (2019). Developing a systematic sampling method for earthworms in and around deadwood. *Forest Ecosystems*, 6, 1-12.
- Ashwood, F., Vanguelova, E. I., Benham, S., & Butt, K. R. (2020). Looking for Earthworms in Deadwood. *Frontiers for Young Minds*, 8, 547465.
- Blouin, M., Hodson, M. E., Delgado, E. A., Baker, G., Brussaard, L., Butt, K. R., ... & Brun, J. J. (2013). A review of earthworm impact on soil function and ecosystem services. *European Journal of Soil Science*, 64(2), 161-182.
- Bouché, M. B. (1972). *Lombriciens de France. Ecologie et systématique* (Vol. 72). INRA Editions.
- Castro, A., & Wise, D. H. (2010). Influence of fallen coarse woody debris on the diversity and community structure of forest-floor spiders (Arachnida: Araneae). *Forest Ecology and Management*, 260(12), 2088-2101.
- Cornwell, W. K., Cornelissen, J. H., Allison, S. D., Bauhus, J., Eggleton, P., Preston, C. M., Scarff, F., Weedon, J. T., Wirth, C., & Zanne, A. E. (2009). Plant traits and wood fates across the globe: rotted, burned, or consumed? *Global Change Biology*, 15(10), 2431-2449.
- Crites, S., & Dale, M. R. (1998). Diversity and abundance of bryophytes, lichens, and fungi in relation to woody substrate and successional stage in aspen mixedwood boreal forests. *Canadian Journal of Botany*, 76(4), 641-651.
- Dias, A. T., Krab, E. J., Mariën, J., Zimmer, M., Cornelissen, J. H., Ellers, J., Wardle, D. A., & Berg, M. P. (2013). Traits underpinning desiccation resistance explain distribution patterns of terrestrial isopods. *Oecologia*, 172, 667-677.
- Ferrenberg, S., & Mitton, J. B. (2014). Smooth bark surfaces can defend trees against insect attack: resurrecting a 'slippery' hypothesis. *Functional Ecology*, 28(4), 837-845.
- Gálhidy, L., Mihók, B., Hagyó, A., Rajkai, K., & Standovár, T. (2006). Effects of gap size and associated changes in light and soil moisture on the understorey vegetation of a Hungarian beech forest. *Plant Ecology*, 183, 133-145.
- Geraskina, A. (2016). The population of earthworms (Lumbricidae) in the main types of dark coniferous forests in Pechora-Ilych Nature Reserve. *Biology Bulletin*, 43, 819-830.
- Harmon, M. E., & Sexton, J. (1996). Guidelines for measurements of woody detritus in forest ecosystems. Harmon, M. E., Franklin, J. F., Swanson, F. J., Sollins, P., Gregory, S., Lattin, J., Anderson, N., Cline, S., Aumen, N., & Sedell, J. (1986). Ecology of coarse woody debris in temperate ecosystems. *Advances in Ecological Research*, 15, 133-302.
- Hendrix, P. F. (1996). Earthworms, biodiversity, and coarse woody debris in forest ecosystems of the southeastern USA. Biodiversity and coarse woody debris in southern forests. Proceedings of the workshop on coarse woody debris in forests: effects on biodiversity. Gen. Tech. Rep. SE-94. [Place of publication unknown]: US Department of Agriculture, Forest Service.
- Jonsell, M., Hansson, J., & Wedmo, L. (2007). Diversity of saproxylic beetle species in logging residues in Sweden—comparisons between tree species and diameters. *Biological Conservation*, 138(1-2), 89-99.
- Kennedy, P. G., & Quinn, T. (2001). Understorey plant establishment on old-growth stumps and the forest floor in western Washington. *Forest Ecology and Management*, 154(1-2), 193-200.
- Kooch, Y., & Hosseini, S. M. (2010). Response of earthworm's biomass and diversity to windthrow events and soil properties in Hyrcanian forests of Iran. *Folia Oecologica*, 37(2), 181.
- Kruys, N., Fries, C., Jonsson, B. G., Lämås, T., & Ståhl, G. (1999). Wood-inhabiting cryptogams on dead Norway spruce (*Picea abies*) trees in managed Swedish boreal forests. *Canadian Journal of Forest Research*, 29(2), 178-186.
- Kuehne, C., Donath, C., Müller-Using, S., & Bartsch, N. (2008). Nutrient fluxes via leaching from coarse woody debris in a *Fagus sylvatica* forest in the Solling Mountains, Germany. *Canadian Journal of Forest Research*, 38(9), 2405-2413.
- Laiho, R., & Prescott, C. E. (2004). Decay and nutrient dynamics of coarse woody debris in northern coniferous forests: a synthesis. *Canadian Journal of Forest Research*, 34(4), 763-777.
- Lakzian, A. (2008). Soil microbiology. Mashhad Ferdowsi University, P135. [In Persian]
- Lasota, J., Błońska, E., Piaszczyk, W., & Wiecheć, M. (2018). How the deadwood of different tree species in various stages of decomposition affected nutrient dynamics? *Journal of Soils and Sediments*, 18, 2759-2769.
- Latif, R., Ezzatpanah, S., Malek, M., & Parsa, H. (2009). Earthworms of the Central Elburz Mountains, Iran. *Iranian Journal of Animal Biosystematics*, 5(2), 1-15.
- Lavelle, P. (1988). Earthworm activities and the soil system. *Biology and Fertility of Soils*, 6, 237-251.

- Lavelle, P., Bignell, D., Lepage, M., Wolters, V., Roger, P., Ineson, P. O. W. H., ... & Dhillion, S. (1997). Soil function in a changing world: the role of invertebrate ecosystem engineers. *European Journal of Soil Biology*, 33, 159-193.
- Lee, K. E. (1959). The earthworm fauna of New Zealand.
- Marvie Mohadjer, M.R. (2011). *Silviculture*. University of Tehran Press, Tehran, 387p. [In Persian]
- McComb, W. (2003). Ecology of coarse woody debris and its role as habitat for mammals. Mammal community dynamics. Management and conservation in the coniferous forests of western North America. Cambridge University Press, Cambridge, UK. [http://dx. doi. org/10.1017/CBO9780511615757](http://dx.doi.org/10.1017/CBO9780511615757), 12.
- Nachtergale, L., Ghekiere, K., De Schrijver, A., Muys, B., Luysaert, S., & Lust, N. (2002). Earthworm biomass and species diversity in windthrow sites of a temperate lowland forest. *Pedobiologia*, 46(5), 440-451.
- Ni, X., Yang, W., Tan, B., Li, H., He, J., Xu, L., & Wu, F. (2016). Forest gaps slow the sequestration of soil organic matter: a humification experiment with six foliar litters in an alpine forest. *Scientific Reports*, 6(1), 19744.
- Rahmani, R., & Mayvan, H. Z. (2003). Diversity and assemblage structure of soil invertebrates in beech, hornbeam and oak-hornbeam forest types. *Iranian Journal of Natural Resources*. 56(4): 425-436
- Riutta, T., Slade, E. M., Bebbler, D. P., Taylor, M. E., Malhi, Y., Riordan, P., Macdonald, D. W., & Morecroft, M. D. (2012). Experimental evidence for the interacting effects of forest edge, moisture and soil macrofauna on leaf litter decomposition. *Soil Biology and Biochemistry*, 49, 124-131.
- Römbke, J., Blick, T., & Dorow, W. H. (2017). *Allolobophoridaella eiseni* (Lumbricidae), a truly arboreal earthworm in the temperate region of Central Europe. *Soil Organisms*, 89(2), 75-84.
- Rosell, J. A., Gleason, S., Méndez-Alonzo, R., Chang, Y., & Westoby, M. (2014). Bark functional ecology: evidence for tradeoffs, functional coordination, and environment producing bark diversity. *New Phytologist*, 201(2), 486-497.
- Rożen, A., Mysłajek, R. W., & Sobczyk, Ł. (2013). Altitude versus vegetation as the factors influencing the diversity and abundance of earthworms and other soil macrofauna in montane habitat (Silesian Beskid Mts, Western Carpathians). *Polish Journal of Ecology*, 61(1), 145-156.
- Sebastian, P., Mathew, M., Beevi, S. P., Joseph, J., & Biju, C. (2005). The spider fauna of the irrigated rice ecosystem in central Kerala, India across different elevational ranges. *The Journal of Arachnology*, 33(2), 247-255.
- Sefidi, K. (2019). The influence of geomorphological characteristics of forest sites on the decay dynamics of dead trees in Asalem Forests, Western Hyrcanian Region. *Ecology of Iranian Forest*, 7(14), 70-79.
- SEFIDI, K., & ETEMAD, V. (2014). The amount and quality of dead trees in a mixed beech forest with different management histories in northern Iran. *Biodiversitas Journal of Biological Diversity*, 15(2).
- Sefidi, K., & Etemad, V. (2015). Dead wood characteristics influencing macrofungi species abundance and diversity in Caspian natural beech (*Fagus orientalis* Lipsky) forests. *Forest Systems*, 24(2), eSC03-eSC03.
- Skubala, P., & Marzec, A. (2013). Importance of different types of beech dead wood for soil microarthropod fauna. *Polish Journal of Ecology*, 61(3), 545-560.
- Smith, M. A., Hallwachs, W., & Janzen, D. H. (2014). Diversity and phylogenetic community structure of ants along a Costa Rican elevational gradient. *Ecography*, 37(8), 720-731.
- Spetich, A. M., Liechty, H. O., Stanturf, J. A., Marion, D. A., Luckow, K., Meier, C. E., & Guldin, J. M. (2002). Coarse woody debris of a prerestoration shortleaf pine-bluestem forest. In *Proceedings of the eleventh biennial southern silvicultural research conference. Outcalt, KW, (ed.). General Technical Report. SRS-48. Asheville, NC: US Department of Agriculture, Forest Service, Southern Research Station* (p. 622).
- Spies, T. A., Franklin, J. F., & Thomas, T. B. (1988). Coarse woody debris in Douglas-fir forests of western Oregon and Washington. *Ecology*, 69(6), 1689-1702.
- Ulyshen, M. D., Klooster, W. S., Barrington, W. T., & Herms, D. A. (2011). Impacts of emerald ash borer-induced tree mortality on leaf litter arthropods and exotic earthworms. *Pedobiologia*, 54(5-6), 261-265.
- Vorobeichik, E., Ermakov, A., Nesterkova, D., & Grebennikov, M. (2020). Coarse woody debris as microhabitats of soil macrofauna in polluted areas. *Biology Bulletin*, 47, 87-96.
- Zuo, J., Berg, M. P., Klein, R., Nusselder, J., Neurink, G., Decker, O., Hefting, M. M., Sass-Klaassen, U., van Logtestijn, R. S., & Goudzwaard, L. (2016). Faunal community consequence of interspecific bark trait dissimilarity in early-stage decomposing logs. *Functional Ecology*, 30(12), 1957-1966.
- Zuo, J., Fonck, M., van Hal, J., Cornelissen, J. H. C., & Berg, M. P. (2014). Diversity of macro-detritivores in dead wood is influenced by tree species, decay stage and environment. *Soil Biology and Biochemistry*, 78, 288-297.
- Zuo, J., Muys, B., Berg, M. P., Hefting, M. M., van Logtestijn, R. S., van Hal, J., & Cornelissen, J. H. (2023). Earthworms are not just "earth" worms: Multiple drivers to large diversity in deadwood. *Forest Ecology and Management*, 530, 120746.